

هدیه یازدهم عربی زبان قرآن

(رشته های ریاضی و تجربی)

از مجموعه مرشد

- ▲ درس نامه کامل
- ▲ پرسش های چهارگزینه ای (تألیفی و کنکور و مسابقات)
- ▲ پاسخ نامه تشریحی با نکته های کلیدی
- ▲ برای داوطلبان رشته های برتر دانشگاه های مشهور

خدیجه علیپور

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ وَسَلِّمْ



به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

دانش‌آموزان گرامی

دوره‌ی دوم متوسطه، شما را برای زندگی و کار در جامعه و تحصیل در دوره‌های بالاتر آماده می‌کند. اگر بگوییم آینده‌ی شغلی شما بستگی به موفقیت تحصیلی شما در این دوره‌ی سه ساله دارد، اغراق نکرده‌ایم. شما برای موفقیت در این دوره باید تلاش کنید و از مشاوران و معلمان و کتاب‌های مناسب برخوردار شوید.

ما در انتشارات مبتکران، بسیار خرسندیم که کتاب‌های عربی زبان قرآن هدهد را در اختیار شما قرار می‌دهیم. این کتاب‌ها که از مجموعه کتاب‌های «مرشد» به حساب می‌آیند، موفقیت تحصیلی شما را تضمین می‌کنند. این مجموعه، برای دانش‌آموزانی به رشته‌ی تحریر در آمده است که مایلند در بهترین رشته‌های گروه‌های آزمایشی فنی مهندسی و پزشکی دانشگاه‌های بنام کشور تحصیل کنند. کتاب «عربی زبان قرآن یازدهم هدهد» شما را برای شرکت در امتحانات و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها آماده می‌کند.

مؤلفان مجموعه‌ی هدهد پس از ارائه‌ی درسنامه‌ی جامع، بانک سؤال کاملی را در اختیار شما قرار می‌دهند که شامل پرسش‌های چهارگزینه‌ای کنکور و پرسش‌های تألیفی است. این پرسش‌ها براساس فصل‌ها و بخش‌های کتاب درسی طبقه‌بندی شده‌اند.

مطالعه پاسخ‌نامه‌ی تشریحی همراه با نکته‌های کلیدی و آموزنده، موفقیت شما را تسهیل خواهد کرد.

در پایان، وظیفه‌ی خود می‌دانیم از مؤلف محترم این کتاب، سرکار خانم خدیجه علیپور و دبیر محترم مجموعه تشکر کنیم.

هم‌چنین از خانم فرشته کلاهی حشمت که زحمت حروفچینی و صفحه‌آرایی کتاب را برعهده داشته است و خانم بهاره خدامی (گرافیک) بسیار ممنونیم و برای همه‌ی این عزیزان آرزوی موفقیت می‌کنیم.



٧.....	الدَّرْسُ الأوَّلُ من آياتِ الأُخلاقِ
٤٥	الدَّرْسُ الثَّانِي في مَحَضَرِ المَعْلَمِ
٧٧	الدَّرْسُ الثَّالِثُ عَجَائِبُ الأشْجارِ
١٠٩	الدَّرْسُ الرَّابِعُ آدابُ الكُلامِ
١٣٧	الدَّرْسُ الخَامِسُ الكُذْبُ مِفْتَاحُ لِكُلِّ شَرٍّ. (صلى الله عليه و آله و سلم)
١٦٩	الدَّرْسُ السَّادِسُ آتِه ماري شيميل
١٩٩	الدَّرْسُ السَّابِعُ تأثيرُ اللُّغَةِ الفارسيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ العَرَبِيَّةِ

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ



ترجمه درس اول

مِن آيَاتِ الْأَخْلَاقِ

از آیه‌های اخلاق



﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

«به نام خداوند بخشاینده مهربان.»

مستتر

عربی زبان قرآن یازدهم



۱. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ
 ۲. عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ
 ۳. وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءِ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ
 ۴. وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللُّقَابِ
 ۵. بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ
 ۶. وَمَنْ لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُم الظَّالِمُونَ
 ۷. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ
 ۸. وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا
 ۹. أُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا
 ۱۰. فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ﴿الْحُجُرَاتُ: ۱۱ و ۱۲﴾
 ۱۱. قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا،
 ۱۲. فَعَلَيْنَا أَنْ نَتَّبِعَ عَنِ الْعُجْبِ
 ۱۳. وَ أَنَّ لَانَذِكْرَ عُيُوبِ الْآخِرِينَ
 ۱۴. بِكَلَامٍ خَفِيٍّ أَوْ بِإِشَارَةٍ.
 ۱۵. فَقَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَكْبَرُ الْعُيُوبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ.»
 ۱۶. تَنْصَحُنَا الْآيَةُ الْأُولَىٰ وَ تَقُولُ: لَا تَعِيبُوا الْآخِرِينَ.
- ای کسانی که ایمان آورده‌اید نباید قومی دیگر را مسخره کند (شاید [ایشان] بهتر از آن‌ها باشند)
- و نه زنانی زنان دیگر را، شاید [آنان] بهتر از اینان باشند
- و از هم عیب‌جویی نکنید و به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید
- بدکار چه نام بدی است پس از ایمان آوردن
- و هر کس توبه نکرد پس آنان همان ستمکارانند
- ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمان [ها] پرهیزید که برخی از گمان [ها] گناه است
- و جاسوسی نکنید و نباید غیبت همدیگر را بکنید
- آیا کسی از شما دوست دارد گوشت برادر خود را، که مرده باشد، بخورد؟
- پس آن را ناپسند شمارید و از خدا پروا کنید که خداوند بسیار توبه‌پذیر مهربان است.
- گاهی میان مردم، کسی که او از ما نیکوتر است، می‌باشد،
- پس ما باید از خودپسندی دوری کنیم
- و عیب‌های دیگران را نشماریم
- با کلامی پنهان یا با اشاره‌ای.
- پس امیر مؤمنان علی (ع) فرموده است: «بزرگ‌ترین عیب این است که آنچه مانندش در تو است را عیب‌جویی کنی.»
- آیه نخست ما را نصیحت می‌کند و می‌گوید: از دیگران عیب‌جویی نکنید.

۱۷. وَلَا تَلْقَبُوهُمْ بِالْأَلْقَابِ يَكْرَهُنَّهَا. و به آن‌ها لقب‌هایی را ندهید که آن‌ها را ناپسند می‌دارند.

۱۸. بِئْسَ الْعَمَلُ الْفُسُوقُ! وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ.

آلوده شدن به گناه چه کار بدی است و هر کس آن را انجام دهد پس او از ستمکاران خواهد بود.

۱۹. إِذَنْ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ: بنابراین خداوند بلندمرتبه در این دو آیه حرام کرده است:

۲۰. الْأَسْتِهْزَاءَ بِالْآخَرِينَ، وَ تَسْمِيَتَهُمْ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ. ریشخند کردن دیگران را، و نام دادن آن‌ها به اسم‌های زشت.

۲۱. سَوْءَ الظَّنِّ، وَ هُوَ اتِّهَامُ شَخْصٍ لِشَخْصٍ بِدُونِ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ.

بدگمانی را، و آن تهمت زدن شخصی به شخصی بدون دلیلی منطقی است.

۲۲. التَّجَسُّسَ، وَ هُوَ مُحَاوَلَةٌ قَبِيحَةٌ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ.

جاسوسی کردن را، و آن تلاشی زشت برای آشکار کردن رازهای مردم به منظور رسوایی آن‌ها است.

۲۳. وَ هُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ فِي مَكْتَبِنَا وَمِنَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ.

و آن از گناهان بزرگ و از اخلاق‌های زشت در مکتب ماست.

۲۴. وَالْغَيْبَةَ، وَ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ.

و غیبت کردن را، و آن از مهم‌ترین دلایل قطع ارتباط میان مردم است.

۲۵. سَمَّى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجُرَاتِ الَّتِي جَاءَتْ فِيهَا هَاتَانِ الْآيَتَانِ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ.

برخی از مفسران سوره حجرات را که این دو آیه در آن آمده است، به سوره اخلاق نام نهاده‌اند.



قواعد درس اول

اسْمُ التَّفْضِيلِ وَاسْمُ الْمَكَانِ



اسم تفضیل: اسمی است که برای بیان برتری کسی یا چیزی و یا «کم‌تر» و یا «زیادتر» بودن صفتی در موردی نسبت به مورد دیگر را بیان می‌کند.

* اسم تفضیل مذکر: بر وزن «أَفْعَل» ساخته می‌شود.

مثال: أَعْظَمُ، أَثْقَلُ، أَصْغَرُ (بزرگ‌تر - سنگین‌تر - کوچک‌تر)

مثال: عَلِيٌّ أَصْغَرَ مِنْ أَخِيهِ. (علی از برادرش کوچک‌تر است.)

* اسم تفضیل مؤنث: بر وزن «فُعْلَى» ساخته می‌شود.

مثال: عَظْمَى، ثَقْلَى، صُغْرَى (بزرگ‌تر - سنگین‌تر - کوچک‌تر)

مثال: نَحْنُ نَعِيشُ فِي الْقَرْيَةِ الصُّغْرَى: ما در روستای کوچک‌تر زندگی می‌کنیم.

نکته ۱: کلماتی که بر وزن «أَفْعَل» می‌آیند در صورتی اسم تفضیل هستند که بر رنگ و عیب دلالت نکنند.

برخی رنگ‌ها در زبان عربی: «أَحْمَرُ» (قرمز)، «أَزْرَقُ» (آبی)، «أَسْوَدُ» (سیاه)، «أَبْيَضُ» (سفید)، «أَصْفَرُ» (زرد)، «أَخْضَرُ» (سبز).

برخی عیب‌ها در زبان عربی: «أَحْمَقُ» (کم‌عقل)، «أَبْتَرُ» (بریده شده)، «أَعْوَجُ» (کج، خمیده)، «أَعْرَجُ» (لنگ)، «أَصَمُّ» (کَر، ناشنوا)، «أَبْكَمُ» (کَر و لال)، «أَخْرَسُ» (لال)، «أَعْمَى» (کور، نابینا)

مثال‌های فوق همگی بر وزن «أَفْعَل» هستند اما چون بر رنگ و عیب دلالت دارند، نمی‌توان آن‌ها را اسم تفضیل به شمار آورد.

نکته ۲: گاهی اسم تفضیل (بدون ال) شبیه فعل ماضی باب «إِفْعَال» می‌شود در چنین موردی باید به معنی جمله دقت کنیم.

(اسم تفضیل) ← مثال: فُوَادٌ أَحْسَنُ الطَّلَابِ: فُوَادٌ بَهْتَرِينَ دانش‌آموزان است.

(فعل ماضی) ← مثال: فُوَادٌ أَحْسَنَ بِأَصْدِقَائِهِ: فُوَادٌ بَه دُوسْتَانِش نِیکِی کُرد.

نکته ۳: هرگاه دو طرف مقایسه مؤنث باشند از «أَفْعَل» برای بیان برتری استفاده می‌شود.

مثال: زَهْرَاءُ أَصْغَرُ مِنْ مَرْيَمَ: زَهْرَاءُ كُوجَكُ تَرِ از مَرْيَمَ اسْت.

* اسم تفضیل برای مؤنث زمانی بر وزن «فُعْلَى» می‌آید که بخواهیم برای آن اسم مؤنث، صفت بیاوریم.

مثال: جَاءَتْ فَاطِمَةُ الصُّغْرَى: (فاطمه کوچک‌تر آمد.)

اسم تفضیل مؤنث

نکته ۴: «أَوَّلُ» اسم تفضیل مذکر و مؤنث آن «أُولَى» می‌باشد. (نخستین)

نکته ۵: کلمه «آخِر» اسم تفضیل مذکر و مؤنث آن «أَخْرَى» است. (دیگری)

* کلمه «آخر» اسم فاعِلِ مذکر است و مؤنث آن «آخرة» است.

◆ **مثال:** الدُّنْيَا مزرعة الآخرة.

اسم تفضیل
برای مؤنث
اسم فاعل
برای مؤنث

◆ **نکته ۶:** گاهی وزن اسم تفضیل به شرح زیر است؛ کلماتی هم چون اقلّ (کم تر، کم ترین)، اشدّ (شدیدتر، شدیدترین)،

أحبّ (محبوب تر، محبوب ترین)، أعلى (بلندتر، بلندترین)، أغلی (گران تر، گران ترین)، أهمّ (مهم تر، مهم ترین) اسم تفضیل هستند.

◆ **نکته ۷:** اسم تفضیل، دو معنی «تر» و «ترین» دارد. اما اگر پس از آن «من» (حرف جر به معنای «از») بیاید، به صورت

«تر» ترجمه می شود. (صفت برتر)

◆ **مثال:** غُرْفَتِي أَكْبَرُ مِنْ غُرْفَتِكَ: اتاق من از اتاق تو بزرگ تر است.

* اگر پس از اسم تفضیل حرف «من» نیاید معمولاً به صورت «ترین» ترجمه می شود. (صفت برترین)

◆ **مثال:** أخی أَحْسَنُ طَبِيبٍ. برادرم بهترین پزشک است.

◆ **نکته ۸:** جمع اسم تفضیل بر وزن «أفعل» است؛ در عبارت زیر به دو کلمه «الأراذل و الأفاضل» دقت کنید.

◆ **مثال:** «إذا ملك الأراذل هلك الأفاضل.»

جمع مکسر «أرذّل» جمع مکسر «أفضّل»

◆ **نکته ۹:** دو اسم «خیر و شرّ» اگر به معنی «بهترین و بدترین» و «بهتر و بدتر» باشند، اسم تفضیل هستند.

◆ **مثال:** أولئك خیرُ النَّاسِ. (آنان بهترین مردم هستند.)

◆ **مثال:** هم شرّ الأولاد. (آنها بدترین فرزندان هستند.)

* «خیر و شرّ» گاهی در معنای «وصفی» هستند؛ نیک، بد

◆ **مثال:** إفعلوا أعمال الخیر. (کارهای نیک انجام دهید.)

◆ **مثال:** عمَلک الشرُّ یضرنّا. (کار بد تو به ما آسیب می رساند.)

* «خیر و شرّ» گاهی در معنای «مصدر» هستند؛ نیکی، بدی

◆ **مثال:** أنا أحبُّ الخیر. (من نیکی کردن) را دوست دارم.)


◆ **مثال:** یا ربّ أبعدنی مِنَ الشرِّ. (پروردگارا مرا از بدی کردن) دور کن.)

ترجمه «قد»:

* «قد» حرفی است که بر سر فعل ماضی و مضارع می آید.


* هرگاه بر سر فعل مضارع بیاید معنی تقلیل (شاید، به ندرت، گاهی) می دهد.



 **مثال:** قَدْ يَتُوبُ الْكَافِرُ. (به ندرت کافر توبه می کند.)

مضارع

* هرگاه بر سر فعل ماضی بیاید فعل، معادل ماضی نقلی فارسی ترجمه می شود.

 **مثال:** قَدْ اجْتَنَبَ الْمُؤْمِنُ مِنَ الْعُجْبِ. (مؤمن از خودپسندی دوری کرده است.)

ماضی

اسم المكان:

اسم مکان، اسمی است که بر مکان دلالت می کند و غالباً دارای سه وزن است:

۱. مَفْعَل، مانند: مَكْتَب (دفتر)

۲. مَفْعِل، مانند: مَسْجِد (محل سجده)

۳. مَفْعَلَةٌ، مانند: مَدْرَسَةٌ (محل درس خواندن)

* جمع اسم مکان بر وزن «مَفَاعِل» می آید.

مَنْزِل ← مَنَازِل / مَطْعَم ← مَطَاعِم

مبتدیان





■ عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ: (۱ - ۴۸)

۱. ﴿اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ﴾:

(۱) از گمان‌های بسیار دوری کنید زیرا برخی از آن‌ها گناه هستند.

(۲) بسیار از گمان دوری کردند زیرا آن گمان‌ها گناه بودند.

(۳) از گمان بردن بسیار دوری کنید همانا برخی از گمان‌ها [ها] گناه هستند.

(۴) از گناه بسیار باید دوری کنید همانا برخی از آن‌ها زشت هستند.

۲. «عَلَيْنَا أَنْ نَبْتَعِدَ عَنِ الْغَيْبَةِ لِأَنَّهَا مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ.»:

(۱) ما همیشه باید از غیبت کردن دور باشیم چه بسا آن از علل مهم بریدن روابط میان مردم باشد.

(۲) ما از غیبت دوری می‌کنیم چرا که از مهم‌ترین علت‌های قطع رابطه میان مردم می‌باشد.

(۳) بر ماست که از بدگویی دوری‌گزینیم زیرا آن از دلایل مهم بریدن ارتباط میان انسان‌هاست.

(۴) ما باید از غیبت کردن دوری کنیم زیرا آن از مهم‌ترین علت‌های بریدن پیوند میان مردم است.

۳. «بَسَّ الْعَمَلُ الْعُجْبُ فَهُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ وَمِنَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ.»:

(۱) عیب‌جویی چه عمل بدی است، پس آن بزرگ‌ترین گناهان و یک اخلاق زشتی است.

(۲) خودپسندی چه کار بدی است، پس آن از گناهان بزرگ و از اخلاق‌های زشت است.

(۳) چه بد است خودخواه بودن، زیرا آن از بزرگ‌ترین گناهان و از عادت‌های بد است.

(۴) کار عجیب و شگفت بسیار بد است، پس آن بزرگ‌ترین گناه و از اخلاق‌های زشت است.

۴. عَيْنِ الصَّحِيحِ:

(۱) لَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا: تجسس نکنید و برخی نباید برخی را تحقیر کنند.

(۲) أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا؟! آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادرش را در حالی که مرده، بخورد؟!

(۳) أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ: بزرگ‌ترین عیب‌ها این است که عیب‌نشماری آن‌چه را که مانندش در تو است.

(۴) لَا تَلْقَبُوا الْأَخْرَيْنَ بِالْقَابِ يَكْرَهُنَّهَا: دیگران را به لقب‌هایی که آن‌ها را ناپسند می‌شمارید، لقب ندهید.



۵. عَيْنِ الْخَطَا:

۱) عَسَى أَنْ يَكُونَ اسْتِهْزَاءً وَ احْتِقَارُ النَّاسِ مِنْ أَكْبَرِ الْعُيُوبِ: شاید ریشخند کردن و تحقیر کردن مردم از بزرگ‌ترین عیب‌ها باشد.

۲) قَدْ نَصَحَنَا الْقُرْآنُ أَنْ نَبْتَعِدَ عَنْ تَسْمِيَةِ النَّاسِ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ: قرآن ما را نصیحت کرده که از نام‌گذاری مردم به اسم‌های زشت دوری کنیم.

۳) قَدْ يَكُونُ فِي الْأُسْرَةِ مَنْ هُوَ أَكْبَرُ مِنَّا فَعَلَيْنَا بِاحْتِرَامِهِ: شاید در خانواده، کسی از ما بزرگ‌تر می‌باشد، پس ما باید به او احترام کنیم.

۴) رَبُّمَا سُوءُ الظَّنِّ أَدَّى إِلَى فَضْحِ الْمَرْءِ وَ هَذَا مِنْ أَقْبَحِ الذُّنُوبِ: قطعاً بدگمانی‌ها به رسوایی انسان می‌انجامد و این از بزرگ‌ترین گناهان است.

۶. «يُؤَكِّدُ فِي الْقُرْآنِ أَنَّ مِنَ وَاجِبِنَا السَّعْيَ فِي سَبِيلِ الاسْتِفَادَةِ الصَّحِيحَةِ مِنَ النُّعْمِ الْإِلَهِيَّةِ لِلسَّيْرِ نَحْوَ الْكَمَالِ!»: (سراسری ۸۷)

۱) قرآن به ما تأکید می‌کند که از وظایف ما سعی و کوشش در راه‌های استفاده از موهبت‌های الهی و تحرک به سمت کمال می‌باشد!

۲) در قرآن تأکید می‌شود که سعی و کوشش در راه استفاده صحیح از نعمت‌های الهی برای حرکت به سوی کمال بر ما لازم است!

۳) تأکید قرآن این است که بر ما لازم است که در راه کاربرد صحیح نعمت‌های الهی و تحرک به سمت رشد و کمال سعی کنیم!

۴) در قرآن تأکید شده است که از واجبات ما تلاش در مسیر کاربرد صحیح از نعمت‌های الهی و حرکت به سوی کمال می‌باشد.

۷. «لِلْأَيَّامِ الْمَاطِرَةِ ظَاهِرَةٌ جَمِيلَةٌ تَتَكَوَّنُ مِنَ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ تَجْعَلُ السَّمَاءَ خَلَابَةً!»: (سراسری ۸۷)

۱) پدیده‌ای زیبا در روزهای بارانی در آسمان وجود دارد با رنگ‌هایی متنوع و آسمانی دیدنی و دلربا!

۲) روزهای بارانی پدیده‌ای زیبا دارد که از رنگ‌های مختلف که آسمان را دلربا می‌کند، تشکیل می‌شود!

۳) روزهای بارانی پدیده‌ای زیبا از رنگ‌های متفاوت تشکیل می‌دهد و آسمان را زیبا می‌سازد و چشم‌ربا!

۴) پدیده‌ای زیبا برای روزهای بارانی است که آسمان به سبب آن دلربا شده و رنگ‌های مختلفی به وجود می‌آورد!

۸. «عَلَيْنَا أَنْ نَسْعَى لِلِاسْتِفَادَةِ مِنَ النُّعْمِ الْإِلَهِيَّةِ فِي طَرِيقِ حَرَكَتِنَا نَحْوَ الْكَمَالِ!»: (سراسری ۸۷)

۱) بر ماست که برای استفاده از نعم الهی و رسیدن به کمال و رشد سعی و تلاش کنیم!

۲) ما باید برای استفاده از نعمت‌های الهی در راه حرکتمان به سوی کمال سعی و تلاش کنیم!

۳) ما برای بهره‌مندی از مواهب الهی در طریق حرکت به سوی سعادت و کمال خویش باید کوشش کنیم!

۴) بر ما لازم است که جهت بهره‌وری از نعمت‌های الهی در حرکت خویش به سمت رشد و کمال سعی کنیم!



۹. «كَانَ الْبَاحِثُونَ الْمَسْلُومُونَ يَهَاجِرُونَ إِلَى النَّقَاطِ الْبَعِيدَةِ مِنَ الْأَرْضِ لِاِكْتِشَافِ أَسْرَارِ الْكَوْنِ.»

- ۱) پژوهشگران اسلامی به مناطق دوردستی از زمین برای کشف راز هستی سفر کرده‌اند.
- ۲) محققان مسلمان برای کشف اسرار هستی به نقاط دوردست زمین مهاجرت می‌کردند.
- ۳) جستجوگران اسلامی به اقصی نقاط زمین برای به دست آوردن رازهای جهان مسافرت کرده بودند.
- ۴) تحقیق‌گران مسلمان بودند که به مناطق دوردست زمین برای اکتشاف اسرار دنیا مهاجرت نمودند.

۱۰. عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) الظُّلْمُ عَلَى الضَّعِيفِ أَقْبَحُ الظُّلْمِ، وَ هَذَا الْعَمَلُ مَذْمُومٌ! ظلم بر ضعیف، زشت‌ترین ظلم است و این کار ناپسند است!
- ۲) الزَّاهِدُونَ يَجْتَنِبُونَ الْخَطِيئَاتِ، وَ هُوَ لَاءَ مَحْبُوبُونَ عِنْدَ اللَّهِ! زاهدان از خطاها دوری می‌کنند، و این‌ها پیش خدا محبوبند!
- ۳) النَّاسُ يَذْنُبُونَ وَ قَلِيلٌ مِّنْ هُوَ لَاءَ الْمُذْنِبِينَ يَتُوبُونَ! مردم گناه می‌کنند و عده کمی از این‌ها گناهکارانی هستند که توبه می‌کنند!
- ۴) يَعْبُدُ الْعَابِدُونَ اللَّهَ فِي اللَّيْلِ الْمُظْلَمِ وَ هَذَا اللَّيْلُ كَسْتَرٍ لَهُمْ! عابدان خدا را در شب تاریک عبادت می‌کنند و این شب مانند پوششی برای آن‌هاست!

۱۱. عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ۱) فِي مَدْرَسَتِنَا تَخْتَصُّ ثَلَاثُ جَلَسَاتٍ بِتَعْلِيمِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ: فِي مَدْرَسَةِ مَا هَشْتِ جَلَسَةٌ بِتَعْلِيمِ زَبَانِ عَرَبِيٍّ اِخْتِصَاصًا يَافِتَةٌ.
- ۲) فَازَ تَلْمِيزَانِ اِثْنَانِ مِنْ بَيْنِ سِتَّةِ طُلَّابٍ فِي مُسَابَقَةِ حِفْظِ الْقُرْآنِ: اَزْ مِیَانِ شَشْ دَانِشْ-آمُوزِ شَرِکْتِ-کُنندهِ دَرِ مَسَابَقَةُ حِفْظِ قُرْآنِ دُومِینِ نَفَرِ بَرِنْدَهِ شُد.
- ۳) دُعِيتُ لِلْحُضُورِ فِي حَفْلَةٍ عَظِيمَةٍ سَتَنْعَقِدُ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ: بَرایِ حُضُورِ دَرِ جِشْنِ بَزْرگیِ کِهْ سَهْ رُوزِ دِیْگَرِ بَرِگَزَارِ خُواهِدِ شُدِ دَعُوتِ شُدَم.

- ۴) صَبَاحَ الْيَوْمِ كَانَ تِسْعَةُ طُلَّابٍ يَنْتَظِرُونَ زِيَارَةَ أَحَدِ أَوْصِدْقَائِي: صَبِیحِ امْرُوزِ، هَفْتِ دَانِشْ-آمُوزِ مَنْتَظَرِ دِیدَنِ یَکِیِ اَزِ دُوسْتَانِ خُودِ بُودَنَد.

۱۲. «قَدْ أُثْبِتَتِ الْاِكْتِشَافَاتُ الْحَدِيثَةُ أَنَّ كُلَّ مِّنِ الْأَلْوَانِ يَخْتَفِي فِي أَعْمَاقِ الْبَحْرِ، يُسَبِّبُ جِزْءًا مِّنْ ظَلْمَتِهِ!»

- ۱) کَشْفِیَّاتِ تَازِهْ ثَبِتْ کُردِه‌اَنَدِ کِهْ هَمِهْ رَنگ‌هَایِ پَنهَانِ، عِلْتیِ بَرایِ تَارِیکِیِ دَرِ اَعْمَاقِ دَرِیَاها می‌باشند!
- ۲) دَرِ کَشْفِ هَایِ تَازِهْ ثَبِتْ شُدِهْ اَسْتِ کِهْ هَرِ رَنگِ مَخْفِیِ دَرِ عَمقِ دَرِیَا، سَببِ قَسْمَتِیِ اَزِ تَارِیکِیِ اَنِ می‌شود!
- ۳) اِکْتِشَافَاتِ جَدِیدِ ثَبِتْ کُردِهْ اَسْتِ کِهْ هَرِ یَکِ اَزِ رَنگ‌هَایِ کِهْ دَرِ اَعْمَاقِ دَرِیَا پَنهَانِ می‌گردد، قَسْمَتِیِ اَزِ تَارِیکِیِ اَنِ رَا سَببِ می‌شود!
- ۴) دَرِ اِکْتِشَافِ هَایِ جَدِیدِ ثَبِتْ شُدِهْ اَسْتِ کِهْ هَمِهْ رَنگ‌هَایِ کِهْ دَرِ اَعْمَاقِ دَرِیَا مَخْفِیِ شُدِهْ اَسْتِ بَاعْثِ جِزْئِیِ اَزِ ظَلْمَتِ دَرِیَا می‌گردند!





(سراسری ۸۹)

۱۳. «يَرَى الْكَافِرُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنَّ أَعْمَالَهُ السَّيِّئَةَ تَشْهَدُ عَلَيْهِ، وَلَا بُدَّ مِنْ ذَلِكَ!»:

- ۱) انسان کافر روز قیامت را در حالی که اعمال بدش علیه او شهادت می دهند، خواهد دید، و راه فراری هم ندارد!
- ۲) کافر روز قیامت را می بیند که کارهای بد او بر ضدّ وی شاهد هستند، و هیچ راه چاره‌ای برای او نیست!
- ۳) انسان کافر روز قیامت را می بیند که اعمال بد گواه او شده است، و راه گریزی هم از آن ندارد!
- ۴) کافر روز قیامت می بیند که اعمال بدش علیه او شهادت می دهند، و چاره‌ای هم از آن نیست!

(سراسری ۸۹)

۱۴. «بَعْضُ الْمَوَادِّ الْغِذَائِيَّةِ مُؤَثِّرَةٌ فِي ازديادِ قُدْرَةِ التَّعَلُّمِ بِسَبَبِ مِيزَاتِهَا الْخَاصَّةِ!»:

- ۱) بعضی مواد غذایی در افزایش نیروی آموزش به دلیل برجستگی ویژه‌ای که دارند مؤثر می باشند!
- ۲) برخی مواد غذایی به سبب ویژگی مخصوص به خود در رشد قدرت یادگیری مؤثر واقع می شوند!
- ۳) بعضی مواد غذایی به سبب ویژگی‌های خاص خود در افزایش قدرت یادگیری مؤثر می باشند!
- ۴) برخی مواد غذایی در بالا بردن نیروی آموزش به علت خصوصیت ویژه آن مؤثر واقع می شوند!

(سراسری ۹۰)

۱۵. «إِنَّ هُنَاكَ مَفَاهِيمَ بَسِيطَةً فِي الْقُرْآنِ نُدْرِكُهَا وَلَكِنْ لَا نَقْدِرُ أَنْ نَصِفَهَا.»:

- ۱) مفاهیم ساده‌ای که در قرآن است قابل فهم برای ما می باشند ولی قابل وصف نیستند!
- ۲) در قرآن مفاهیم ساده‌ای وجود دارد که درکش می کنیم ولی قادر به توصیفش نیستیم!
- ۳) ما مفاهیم ساده‌ای را که در قرآن است هر چند درک می کنیم ولی قادر نیستیم آن‌ها را وصف کنیم!
- ۴) قرآن مفاهیمی دارد که هر چند ساده است و قادر به فهم آن هستیم اما برای ما قابل وصف نیستند!

(سراسری ۹۰)

۱۶. «الْأَفْضَلُ لِلطَّالِبِ أَنْ يَنْتَخِبَ فَرَعَهُ الْجَامِعِيَّ بِدَقَّةٍ حَتَّى لَا يَنْدِمَ فِي الْمُسْتَقْبَلِ!»:

- ۱) دانش آموز باید رشته دانشگاهی خود را با دقت انتخاب کند که بعداً پشیمان نشود!
- ۲) دانش آموز خوب، رشته دانشگاهی خود را دقیق انتخاب می کند که در آینده دچار پشیمانی نشود!
- ۳) بهتر برای دانش آموز این است که رشته دانشگاهی خود را با دقت انتخاب کند تا در آینده پشیمان نشود!
- ۴) برای هر دانش آموزی بهتر این است که رشته دانشگاهی خود را دقیقاً انتخاب نماید تا بعداً دچار پشیمانی نشود!

(سراسری ۹۰)

۱۷. «يُحَاسِبُ اللَّهُ الْخَلْقَ عَلَى كَثْرَتِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، كَمَا يَرِزُّهُمْ عَلَى كَثْرَتِهِمْ فِي الدُّنْيَا!»:

- ۱) روز قیامت حسابرس همه مردم خداوند می باشد، به گونه‌ای که در دنیا همه آن‌ها را روزی عطا می کند!
- ۲) روز قیامت خداوند به حسابرسی اکثریت خلق می پردازد، همچنان که اکثریت آن‌ها را در دنیا روزی عطا می کند!
- ۳) خداوند به حساب مردم در روز قیامت می رسد، هر چند تعدادشان کثیر است، چنان‌که در دنیا نیز با توجه به کثرتشان به آن‌ها روزی داده می شود!
- ۴) خداوند مردم را با وجود بسیار بودن تعداد آن‌ها، روز قیامت محاسبه می کند، همان‌طور که آن‌ها را با وجود بسیار بودن تعدادشان، در دنیا روزی می دهد!

۱۸. «شَعَرْتُ بِأَنَّ الشَّيْطَانَ يَقَهْقَهُهُ وَيَسْخَرُ مِنِّي عِنْدَ عَصْيَانِي رَبِّي!»:

- ۱) گویی شیطان قهقهه می‌زد و مرا مسخره می‌کرد زمانی که پروردگارم را نافرمانی کردم!
- ۲) هنگام نافرمانی از پروردگارم احساس کردم که شیطان قهقهه می‌زند و مرا مسخره می‌کند!
- ۳) هرگاه بر پروردگارم عصیان می‌کنم احساس می‌کنم مورد تمسخر و قهقهه شیطان واقع شده‌ام!
- ۴) احساس کردم گویی این قهقهه شیطان است که هنگام عصیان من بر پروردگارم مرا مسخره می‌کند!

(سراسری ۹۰)

۱۹. «أَخَذْتَنِي الدَّهْشَةُ عِنْدَمَا شَاهَدْتُ اجْتِهَادَ زَمِيلَاتِي فِي أَدَاءِ واجِبَاتِهِنَّ أَكْثَرَ مِنْ غَيْرِهِنَّ!»:

- ۱) آن‌گاه که تلاش دوستان خود را که پیش از دیگران در ادای وظایف خویش می‌کوشیدند می‌بینم در شگفت می‌شوم!
- ۲) وقتی سعی رفقایم را بیش‌تر دیدم که در انجام دادن وظایفشان تلاش می‌کنند، تعجب و حیرت مرا فرا گرفت!
- ۳) آن‌گاه که فعالیت همکلاسی‌هایم را در انجام تکالیف بیش‌تر از سایرین دیدم سخت حیرت کردم!
- ۴) وقتی تلاش همکلاسی‌هایم را در انجام تکالیفشان بیش از دیگران دیدم حیرت مرا فرا گرفت!

(سراسری ۹۰)

۲۰. «إِنَّا مُكَلَّفُونَ بِالْإِتِّفَاعِ مِنَ الطَّيِّبَاتِ الَّتِي خُلِقَتْ لَنَا فِي حَيَاتِنَا، لِأَنَّهَا تَضْمَنُ سَلَامَةَ أَرْوَاحِنَا وَ أَبْدَانِنَا!»:

- ۱) ما به استفاده از پاکیزه‌هایی که برای ما در زندگی مان آفریده شده است، مکلف شده‌ایم، زیرا آن‌ها سلامت روح‌ها و بدن‌های ما را تضمین می‌کنند!
- ۲) ما به بهره بردن از روزی‌های پاکی که برای ما به وجود آمده است، مکلف هستیم، زیرا که سلامت روان و جسممان را تضمین می‌کنند!
- ۳) ما مکلف به بهره‌مند شدن از روزی‌های پاکی شده‌ایم که خداوند برای ما خلق کرده، تا در زندگانی سلامتی روان‌ها و بدن‌هایمان را تضمین کنند!
- ۴) ما مکلف هستیم که از پاکیزه‌هایی که آفریده شده‌اند در زندگی استفاده کنیم، چه سلامت روح و بدن را تضمین می‌کنند!

(سراسری ۹۰)

۲۱. عَيْنِ الْخَطَا:

- ۱) النَّاسُ بَعْضُهُمْ يَطْمِئِنُّ قَلْبُهُمْ عَنِ طَرِيقِ الْعِلْمِ فَقَطْ،: گاهی مردم فقط از راه علم، قلبشان اطمینان می‌یابد،
- ۲) وَالْقُرْآنُ يَتَّخِذُ أُسْلُوبًا خَاصًّا لِدَعْوَةِ هَؤُلَاءِ النَّاسِ،: و قرآن برای دعوت این مردم روش خاصی به کار می‌گیرد،
- ۳) هَذَا الْأُسْلُوبُ يَتَّكِي عَلَى الْبَرَاهِينِ وَالْأَدَلَّةِ الْعِلْمِيَّةِ،: این روش بر برهان‌ها و دلایل علمی تکیه دارد،
- ۴) وَبِهَذِهِ الْآيَاتِ الْعِلْمِيَّةِ تَطْمِئِنُّ قُلُوبُهُمْ تَمَامًا!،: و با این آیات علمی قلب‌هایشان کاملاً اطمینان می‌یابد!

(سراسری ۹۰)

۲۲. «الشَّبَابُ الَّذِينَ يَعِيشُونَ فِي وَفُورِ النِّعْمَةِ يَقِفُونَ فِي وَجْهِ الْمَصَاعِبِ أَقَلَّ مِنَ السَّائِرِينَ.»:

- ۱) از جوانان آنان که در برابر دشواری کم‌تر از سایرین ایستادگی می‌کنند، در فراوانی نعمت زندگی کرده‌اند.
- ۲) جوانان همان کسانی‌اند که در وفور نعمت به سر برده و کم‌تر از سایرین در برابر سختی مقاومت کرده‌اند.
- ۳) از جوانان کسانی که در فراوانی نعمت زندگی می‌کنند مقابل دشواری‌ها کم‌تر از دیگران می‌ایستند.
- ۴) جوانانی که در وفور نعمت زندگی می‌کنند در برابر سختی‌ها کم‌تر از دیگران ایستادگی می‌کنند.





۲۳. «كَلِمَةٌ خَيْرٌ تُفِيدُ، أَفْضَلُ مِنْ كِتَابٍ لَافَائِدَةٌ لَهُ.»:

- ۱) کلمه خوب پرفایده، بهتر از آن کتابی است که فایده‌ای به کسی نرساند!
- ۲) سخن نیکی که تو از آن بهره ببری، برتر است از کتابی که هیچ فایده‌ای نرساند!
- ۳) یک کلمه خوب که مفید باشد، بهتر از کتابی است که هیچ فایده‌ای نداشته باشد!
- ۴) یک سخن نیک که فایده‌ای برساند، بهتر از آن کتابی است که فایده‌ای در آن نباشد!

(سراسری ۹۱)

۲۴. «أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ يَقُومُ بِتَأْدِيبِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِ غَيْرِهِ!»:

- ۱) بهترین مردم آن کسی است که خود را قبل از دیگران تأدیب کند!
- ۲) بلندمرتبه‌ترین مردم کسی است که قبل از دیگری به تأدیب خود پردازد!
- ۳) فاضل‌ترین مردم آن کسی است که ادب کردن نفس خویش را بر دیگران ترجیح دهد!
- ۴) برترین مردم کسی است که قبل از تأدیب دیگری به ادب کردن خود پردازد!

(سراسری ۸۸ با تغییر)

۲۵. عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي تَرْجُمَةِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطٍّ:

- ۱) سَمَّى الْوَالِدُ وَكَدَهُ بِالْأَسْمِ الْحَسَنِ: نامیدن
- ۲) كَشَفَ أَسْرَارَ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ أَمْرٌ قَبِيحٌ: رسوایی‌ها
- ۳) عَلَيْنَا أَنْ لَا نَعِيبَ بَعْضُنَا بَعْضًا: عیب‌جویی نکنیم
- ۴) تَحَدَّثَ الْبَائِعُ بِكَلَامٍ خَفِيَ فِي الْمَتَجَرِّ: آرام

۲۶. عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ۱) ﴿إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ﴾: بسیار مهربان
- ۲) قَدْ حَرَّمَ اللَّهُ الْغَيْبَةَ لِلنَّاسِ: حرام کرده است
- ۳) ﴿وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ﴾: القاب زشت ندهید
- ۴) عَابَتِ هُوَلَاءُ النِّسَاءُ بَعْضُهُنَّ بَعْضًا: جاسوسی کردند

۲۷. عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ۱) هَذِهِ اللَّحُومُ الْبَحْرِيَّةُ أَفْضَلُ طَعَامًا: گوشت
- ۲) لَا يَكْرَهُ الْفَاسِقُ الْمَجَادَلَةَ بَيْنَ النَّاسِ: ناپسند نمی‌شمارد
- ۳) جَعَلَتْ الْأَوْرَاقَ فِي الْمَطْبَعَةِ مَسَاءً: آشپزخانه
- ۴) إِنَّ اللَّهَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ: خوار شد

۲۸. عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- (۱) اُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ: فرا می خوانم
 (۲) إِنَّ رَبِّي أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ: دانایم
 (۳) مَرَحِبًا بِكَ يَا زَمِيلِي لَيْسَ أَفْضَلَ مِنْكَ خُلُقًا: همکار
 (۴) الْمِيزَانُ أَصْبَحَ ثَقِيلًا بِهَذِهِ الْفَوَاكِهِ: سینی

۲۹. ما هُوَ الْمُنَاسِبُ لِلْفَرَاعِينَ حَسَبَ التَّرْجَمَةِ؟ «أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.»

«..... بندگان خدا نزد خدا آن‌ها نسبت به بندگان است.»

- (۱) محبوبیت - سودمند
 (۲) محبوب‌ترین - سودمندترین
 (۳) محبوب‌تر - سودمندتر
 (۴) دوست دارم - سود می‌رسانم

۳۰. كم خطأ جاء في الترجمة؟ «صار مبلغ هذه الفساتين مئتين و ثلاثين ألفَ تومان.» «قیمت این پیراهن‌ها صد و سی هزار

تومان می‌شود.»

- (۱) ثلاثة (۲) اثنان (۳) أربعة (۴) واحد

۳۱. اجعل العدد المناسب حسب الترجمة:

«عشرون ناقصٌ واحدٍ يساوي

«ببست منهای یک مساوی است با نوزده.»

- (۱) عشرة (۲) أحد عشر (۳) تسعة عشر (۴) سبعة عشر

۳۲. عَيْنُ الْكَلِمَةِ الْمُنَاسِبَةُ لِلْفَرَاعِ حَسَبَ التَّرْجَمَةِ:

«سِتَّةٌ وَسَبْعُونَ..... أَحَدَ عَشْرٍ يُسَاوِي سَبْعَةً وَ ثَمَانِينَ.»

«هفتاد و شش یازده مساوی است با هشتاد و هفت.»

- (۱) زائد (۲) ناقص (۳) تقسیم علی (۴) فی

۳۳. عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِلْفَرَاعِ حَسَبَ التَّرْجَمَةِ: «أَنَا أَحِبُّ..... اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ.» «من یاد گرفتن زبان عربی را دوست دارم.»

- (۱) تعلیم (۲) تعلم (۳) تعلم (۴) علم

۳۴. عَيْنُ الْخَطَأِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- (۱) يا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ: ای شنواترین شنوندگان
 (۲) يا عَلَّامَ الْغُيُوبِ: ای بسیار داننده غیب‌ها
 (۳) يا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ: ای حسابرس حساب‌کنندگان
 (۴) يا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ: ای کسی که نیکوکاران را دوست دارد.



۳۵. عَيْنُ الْخَطَا فِي الْجُمُوعِ الْمَكْسُورَةِ:

(۱) خَطِيئَةٌ ← خَطَايَا (۲) كَبِيرَةٌ ← كِبَائِرُ (۳) الذَّنْبُ ← ذُنُوبٌ (۴) مَيِّتٌ ← مَوْتٌ

۳۶. عَيْنُ الصَّحِيحِ عَلَى حَسَبِ الْوَاقِعِ:

(۱) السَّعْيُ لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخِرِينَ أَمْرٌ جَمِيلٌ. (۲) يَكُونُ السَّاحِرُ خَيْرًا مِنَ الْمَسْخُورِ مِنْهُ غَالِبًا.
(۳) نَهَى اللَّهُ النَّاسَ عَنْ سُخْرِيَةِ الْآخِرِينَ. (۴) سَوْءُ الظَّنِّ هُوَ أَنْ نُحَسِّنَ شَخْصًا.

۳۷. عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ تَرْجُمَةِ الْكَلِمَاتِ الْمَعْيَنَةِ عَلَى حَسَبِ التَّرْتِيبِ:

«فِي ذَلِكَ الْمَتَجَرِّ سِرَاوِيلٌ أَفْضَلُ، تَفَضَّلُوا أَنْظُرُوا وَ يَخْتَلِفُ سِعْرُهَا حَسَبَ النَّوْعِيَّةِ.»:

(۱) بازار - شلوار - ارزان تر - بفرماید - جنسها (۲) بهترین - مغازه - نگاه کردند - جنس - دامنها
(۳) مغازه - شلوارها - بهتر - نگاه کنید - جنس (۴) دکان - پیراهنها - بهترین - ببینید - کیفیت

۳۸. عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ تَوْضِيحِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ:

(۱) الْغَيْبَةُ: ذِكْرُ الْمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِيَّةِ فِي غِيَابِ الشَّخْصِ. (۲) تَنَابُزُ الْأَلْقَابِ: تَسْمِيَةُ الْآخِرِينَ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ.
(۳) تَوَابٌ: الَّذِي يَكْرَهُ الْإِثْمَ وَ لَا يَقْبَلُهُ. (۴) الْعُجْبُ: الَّذِي يَتَوَاضَعُ دَائِمًا بَيْنَ النَّاسِ.

۳۹. عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ الْمُرَادِ:

(۱) عَسَى = رُبَّمَا (۲) إِثْمٌ = ذَنْبٌ (۳) فُسُوقٌ = حَسَنَةٌ (۴) أَفْضَلٌ = أَعْلَمُ

۴۰. عَيْنُ الْخَطَا فِي الْمَتَضَادِّ:

(۱) مَيِّتٌ ≠ حَيٌّ (۲) خَفِيٌَّ ≠ ظَاهِرٌ (۳) كِبَائِرٌ ≠ صَغَائِرٌ (۴) أَعْلَى ≠ أَقْلٌ

۴۱. عَيْنُ غَيْرِ الصَّحِيحِ فِي الْمَتَضَادِّ:

(۱) اِهْتَدَى ≠ ضَلَّ (۲) الْحَسَنَةُ ≠ السَّيِّئَةُ (۳) أَبْيَضٌ ≠ أَسْوَدٌ (۴) اِقْتِرَابٌ ≠ اِنْكِسَارٌ

۴۲. عَيْنُ جَوَابًا مَا جَاءَ فِيهِ الْمَتَضَادُّ:

(۱) ﴿لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ (۲) عداوة العاقل خيرٌ من صداقة الجاهل.
(۳) ﴿رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ﴾ (۴) السكوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ.

۴۳. عَيْنُ جَوَابًا جَاءَ فِيهِ ثَلَاثَةُ أَخْطَاءٍ فِي التَّرْجُمَةِ:

(۱) هَذَا الْقَمِيصُ الْأَصْفَرُ أَعْلَى مِنْ ذَلِكَ السَّرْوَالِ الْأَسْوَدِ: اَيْنَ پيراهن آبی از آن شلوار سفید ارزان تر است.
(۲) أَعْطَنِي مِنْ فَضْلِكَ خَمْسَةَ أَمْتَارٍ مِنَ الْحَرِيرِ الْأَخْضَرِ: لطفاً به من پنج متر از حریر زرد بده.
(۳) لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخَلْقِ الْحَسَنِ: در ترازو چیزی باارزش تر از اخلاق نیکویمان نیست.
(۴) عَلَّمَنِي الْمُرْشِدُ أَنْ لَا تُكْسِرَ قَلْبَ أَحَدٍ فِي الْحَيَاةِ: راهنما از من خواست که قلب کسی را در زندگی ام نشکنم.

